

۱۵- «مطالبه‌گری»: نقطه‌ عزیمتی برای تحول در برنامه درسی نظام تعلیم و تربیت مبتنی

بر آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران

مرتضی نقره‌ای^۱ مقصود امین‌خندقی^۲ محمود سعیدی رضوانی^۳

چکیده

در مطالعه حاضر، با بررسی مفهوم مطالبه‌گری در ادبیات حوزه‌های مختلف اعم از علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، پیوند وثیق میان مطالبه‌گری و گفتمان‌سازی، به عنوان نقطه‌عزیمتی برای ورود این مفهوم به عرصه‌تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی نتیجه‌گیری شد. سپس به منظور تبیین بیشتر مفهوم «مطالبه‌گری»، به مطالعه آن مبتنی بر آموزه‌های انقلاب اسلامی و بررسی ابعاد مفهومی و سطوح آن بر اساس لایه‌های وجودی و ابعاد تربیتی انسان، مبتنی بر آراء متفکرین و متقدمین انقلاب اسلامی، پرداخته شد. در نهایت این نتیجه حاصل شد، که طرح مفهوم مطالبه‌گری در سه ساحت وجودی فرد و جامعه، مبتنی بر آموزه‌های انقلاب اسلامی، با توجه به ماهیت نقادانه نسبت به وضع موجود و نگاه آرمانی آن به وضع مطلوب، نقطه‌عزیمتی برای تحول در برنامه‌درسی نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مطالبه‌گری، برنامه‌درسی، آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، گفتمان‌سازی

مقدمه

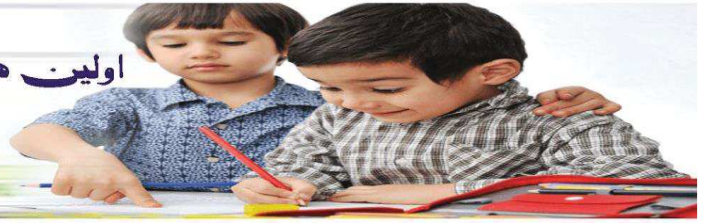
انقلاب اسلامی به خاطر هویت اسلامی و در نتیجه ماهیت ضد غارتگری و ضد سلطه‌جویی آن، از سوی حکومت‌های استعماری و استثمارگری و همچنین سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های سلطه‌جو مورد تهدید قرار می‌گیرد (خامنه‌ای،

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات برنامه‌درسی و آموزش، دانشگاه فردوسی مشهد: morteza.noghrei@mail.um.ac.ir

^۲ مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشیار گروه مطالعات برنامه‌درسی و آموزش، نویسنده مسئول:

aminkhandaghi@um.ac.ir

^۳ مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشیار گروه مطالعات برنامه‌درسی و آموزش: saeedy@um.ac.ir



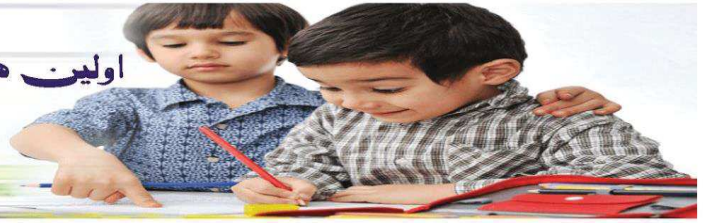
۱۳۹۰:۳۳). علاوه بر این، در داخل با آفات علمی و اخلاقی که گریبان گیر مردم و زمام داران می شود، رو به رو

است؛ به این معنا که آفات انقلاب اسلامی عمدتاً فرهنگی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

از سوی دیگر، حفظ و تقویت سلامت فکری و فرهنگی نسل های کنونی و آینده انقلاب اسلامی، از مهم ترین دغدغه ها در جهت تداوم حیات انقلاب اسلامی به شمار می رود. بدین ترتیب بنیادی ترین و سودمندترین شیوه برای دوام و سلامت انقلاب اسلامی، فعالیت در حوزه تعلیم و تربیت است (همان). در واقع آموزش و پرورش جزء اساسی تغییر و تکامل فرهنگی است و در کانون تعالی فرهنگی جای دارد (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

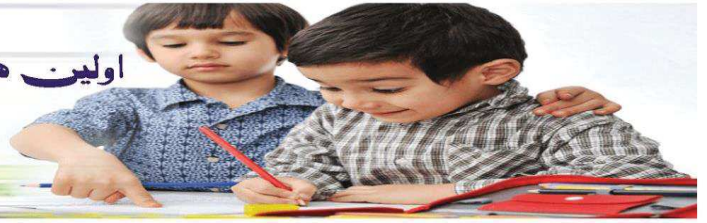
از طرفی قلب آموزش و پرورش را می توان برنامه درسی دانست (نال، ۲۰۱۱: ۱). اهداف، ایده های فلسفی و تمام انتظاراتی که از نظام آموزشی وجود دارند، همگی در منشور برنامه درسی تبلور می یابند؛ بنابراین نظام های آموزشی بر محور برنامه های درسی می چرخند (فتحی آذر و حاتمی، پیشگفتار: ۱۳۸۸). در نتیجه با توجه به ضرورت پرداختن به آموزه های انقلاب اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت، برنامه های درسی را می توان بستری مناسب برای حفظ و تداوم آموزه های انقلاب اسلامی و در نتیجه بسط و گسترش تفکر انقلاب اسلامی دانست (پاک مهر، امین خندقی، سعیدی رضوانی و قندیلی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

استمرار انقلاب اسلامی در گرو تربیت نیروهایی است که پیام انقلاب را درک کنند، آن را حفظ کنند و به آن عمل کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰). در واقع جامعه امروز ما نیاز به شخصیت های انقلابی دارد (ستایش، ۱۳۹۳). در نتیجه، رسالت برنامه های درسی در راستای برون رفت از بحران های امروزی و حفظ و تداوم آرمان ها و ارزش های انقلاب اسلامی، گسترش روحیه انقلابی و پرورش چنین شخصیت های انقلابی است؛ امری که از سوی برنامه ریزان درسی و متصدیان مربوطه مورد کم توجهی و یا بی توجهی قرار گرفته است (همان). از نشانه های آن، توجه اندکی است که به ارزش های انقلابی در کتب درسی شده و بسیاری از مفاهیم ارزشمند انقلابی نادیده انگاشته شده اند (پاک مهر، امین خندقی، سعیدی رضوانی و قندیلی، ۱۳۹۵: ۱۹۲) و یا با رویکرد تاریخی به آنها پرداخته شده که این امر موجب بروز آسیب های متعددی در این زمینه، نظیر عدم پاسخ گویی به شبهات متربیبان و عدم تقویت اندیشه ورزی آن ها می شود (پاک مهر، امین خندقی، قندیلی و سعیدی رضوانی، ۲: ۱۳۹۵).



بنابراین بسط تفکر و گفتمان انقلاب اسلامی و پیگیری جدی آموزه های انقلاب اسلامی، نیاز به تلاشی جدی در جهت مطالبه این آموزه ها در برنامه های درسی دارد؛ از این رو تحقق این مطالبه و فراگیر شدن آن، موجب گفتمان سازی آموزه های انقلاب اسلامی در برنامه های درسی می شود.

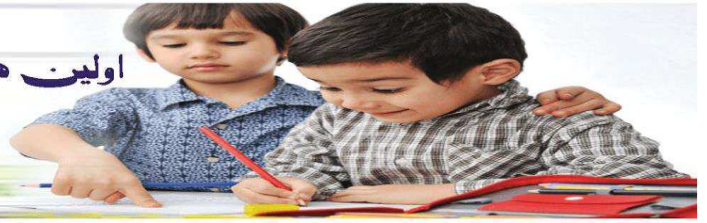
بررسی پیشینه پژوهشی حاکی از آن است که مفهوم «مطالبه گری» غالباً در حوزه های دیگر نظیر علوم سیاسی یا جامعه شناسی مورد تعریف و کاربست قرار گرفته است و در حوزه تعلیم و تربیت و برنامه درسی تنها پاک مهر، امین خندقی، قندیلی و سعیدی رضوانی (۱۳۹۶) به این مفهوم پرداخته اند. آنها رویکرد گفتمان سازانه را با تاکید بر آموزه های انقلاب اسلامی، به عنوان رویکردی بدیل در برنامه درسی معرفی می کنند و بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری، مطالبه گری را به معنای طرح یک موضوع خاص به عنوان خواسته ای عمده از سوی مردم، قشرها به خصوص جوانان و به عنوان یکی از خصایص رویکرد گفتمان سازانه در برنامه درسی، مطرح کرده اند. گفتمان سازی به معنای این است که یک مفهوم یا معرفت در برهه ای از زمان در جامعه همه گیر بشود که این به برنامه ریزی و کار فعال و پیوسته و پیگیرانه نیاز دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸). اما رویکرد گفتمان سازانه در برنامه های درسی به عنوان رویکردی بدیل در راستای تحقق آموزه های انقلاب اسلامی است که به مثابه فرآیند تبدیل ایدئولوژی به یک مطالبه عمومی و فراگیر در مقام عمل اطلاق می شود (پاک مهر، امین خندقی، قندیلی و سعیدی رضوانی، ۱:۱۳۹۵). در واقع، رابطه ای تعاملی میان مطالبه گری و گفتمان سازی وجود دارد که از یک سو مطالبه گری، منجر به گفتمان سازی می شود و از سوی دیگر، وقتی گفتمان در جامعه ایجاد شد، نسبت به ارزش های آن، مطالبه صورت می گیرد. در واقع مطالبه گری هم نوعی کارکرد برای رویکرد گفتمان سازانه در برنامه درسی محسوب می شود و هم نوعی نتیجه؛ زیرا از یک سو، مطالبه گر کردن فراگیران و سایر عناصر برنامه درسی، بخش مهمی از مدل گفتمان سازی در برنامه های درسی است، و از سوی دیگر رویکرد گفتمان سازانه فراگیران و نظام آموزشی را متخلق به اخلاق مطالبه گری می کند؛ یعنی آنها را نسبت به مطالبه گری آموزه های انقلاب اسلامی، متعهد ساخته و مطالبه گری را به مثابه یک ارزش، در آنها ایجاد و تقویت می کند (پاک مهر،



۱۳۹۷). در این معنا مطالبه گری، موجب جامعه مداری نظام آموزشی، پاسخ گویی آن به نیازهای خارج از مدرسه و انطباق آن با شرایط سیاسی حاکم بر جامعه و اقتضات نظام اجتماعی می شود؛ در نتیجه هم فراگیران متخلق به اخلاق مطالبه گری می شوند و هم برنامه های درسی و نظام آموزشی مطالبه گر آموزه های انقلاب اسلامی خواهند بود (همان: ۲۷). اما در مطالعه مذکور، از آنجا که مفهوم شناسی دقیق مطالبه گری مد نظر نبوده، به شکلی مختصر و گذرا به مطالبه گری پرداخته شده است. بنابراین، مشخص نیست که خصیصه مطالبه گری دارای چه حدود و ثغور مفهومی است و از چه جایگاهی در برنامه درسی مبتنی بر آموزه های انقلاب اسلامی برخوردار است. در نتیجه مسئله حاضر ناظر بر بررسی مفهوم مطالبه گری و تبیینی گذرا بر ابعاد و گستره معنایی آن مبتنی بر آموزه های انقلاب اسلامی ایران با رویکردی تحلیلی- استنتاجی است. بنابراین، با هدف فهم و تبیین مفهوم مطالبه گری و گستره مفهومی و سطوح آن بر مبنای آموزه های انقلاب اسلامی ایران، پس از بررسی تعاریف مختلف و مشخص ساختن مفهوم مطالبه گری مبتنی بر آموزه های انقلاب اسلامی، ارتباط آن با رویکرد گفتمان سازانه در برنامه درسی و سطوح مطالبه گری و گستره مطالبه گری، تبیین شده است.

مطالبه گری

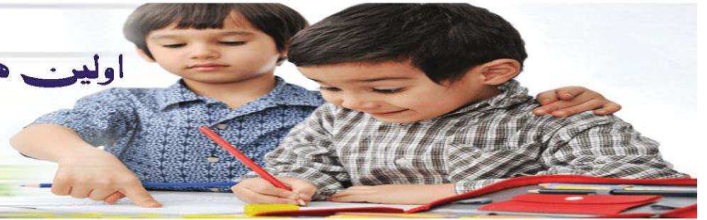
رهبری، مطالبه گری را به معنای یادآوری، مطرح کردن، خواستن و طلبکار بودن نسبت به تحقق یک موضوع که با نگاهی آرمان خواهانه همراه است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷) تعریف می کند؛ در نتیجه، در این معنا مطالبه- گری مبتنی بر آموزه های انقلاب اسلامی، یعنی تلاشی مستمر به منظور تحقق آموزه های انقلاب اسلامی در نظام آموزش و پرورش و تمامی آحاد جامعه. از سوی دیگر رهبری عقیده دارد «وقتی موضوعی مطرح می شود، دنبال می شود و تبدیل به گفتمان می شود، نتیجه این می شود که مردم همان حرف ها را به عنوان مطالبه بیان می کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵). بنابراین می توان بر این اساس، تعاملی را میان مطالبه گری و گفتمان سازی متصور شد که از یک سو مطالبه گری، موجب گفتمان سازی شده و از سوی دیگر، وقتی گفتمان در جامعه جاری و ساری شد، نسبت به ارزش های آن، مطالبه صورت می گیرد.



ابراهیم پور و باهنر (۴:۱۳۹۵) بر این عقیده هستند که مطالبه گری، فرآیندی است که در آن تقویت صدای مردم، موجب تسریع روند تغییر می‌شود، به گونه‌ای که مردم آگاهانه و متحدانه، خواسته‌های خود را از دولت مطالبه می‌کنند و ضمن همراهی با دولت به خواسته‌های خود می‌رسند. آن‌ها عوامل مؤثر بر مطالبه گری را آگاهی، حق اظهار نظر، مشارکت و آزادی می‌دانند.

تنهایی (۱۳۹۷) مطالبه‌گری را به مثابه یک گفتمان مطرح می‌کند. از نظر او گفتمان، یک فرایند معرفت‌شناختی در یک برهه تاریخی است. بنابراین در هر دوره ای یک گفتمان تاریخی وجود دارد که بنیان معرفت‌شناسی دارد. تنهایی با اعتقاد به هستی‌شناسی تفسیرگرایی در چارچوب جامعه‌شناسی نظری، انسان‌ها را فارغ از ساختارهای موجود، کنشگر تلقی می‌کند و با گرایش‌های پراگماتیستی و تفسیرگرایی خود می‌خواهد تضادهای موجود در جامعه را پیدا کرده و راه برون رفت از این تضادها را گوشزد کند؛ بر این اساس، مطالبه گری را تفسیر مشترک مردم می‌داند و نه القای جامعه‌شناس یا علاقه شخصی جامعه‌شناس. تنهایی بر اساس نگاه دیالکتیکی هگلی (و نه مارکس) می‌گوید بین مطالبه گر و مخاطب همیشه تضاد وجود دارد و تضاد واقعی‌ترین شکل یک رابطه است. بر این اساس، او مطالبه را از سنخ جنبش یا شورش جدا کرده و آن را گونه ای از کنش اجتماعی گروه‌های اجتماعی که به دنبال حقوق و منافع خود هستند، تعریف می‌کند.

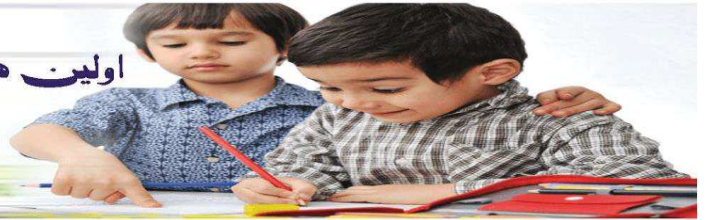
واژه «مطالبه» که معادل‌های مختلفی نظیر **demand** و **claim** در زبان انگلیسی دارد، به ندرت در ادبیات سیاسی-اجتماعی و گاهی مباحث حقوقی مورد استفاده قرار گرفته است؛ به طوری که کمتر می‌توان مفهوم پردازش و یا تعریفی جامع و مانع در خصوص این مفهوم، در پژوهش‌های خارجی به دست آورد. البته مواردی از سوی برخی صاحب نظران که به طور ویژه و در متن ایده خود (و نه به عنوان مفهومی حاشیه‌ای) مطالبه‌گری را مطرح کرده‌اند، قابل مشاهده است.



به عنوان مثال اوبرگ و اوبا^۱ (۲۰۱۴)، «مطالبه‌گری سیاسی»^۲ را اقدامی می‌دانند که شامل بیان صریح و شفاف عقاید^۳، استدلال‌آوری^۴ و تعامل سازنده^۵ است. بهترین نوع مطالبه، بدین صورت است که در آن بیان دقیق و شفاف دیدگاه با کمی پژوهش، ارجاع به دانش تخصصی، ارائه استدلال و دعوت به بحث و گفت و گو پیرامون حل مسأله همراه باشد. این نوع از مطالبه‌گری، دارای خصیصه تأملی بوده، منجر به "تبادل منطقی استدلال" با سیاست‌گذاران و وادار کردن آن‌ها به پاسخ‌گویی می‌شود و در نتیجه شرایط بهتری را برای ایجاد یک سیستم تأملی^۶ در عرصه مدنی فراهم می‌کند (اوبرگ و اوبا، ۲۰۱۴: ۴۱۵-۴۱۴).

کراکس ویزنر مطالبه‌گری را یک رفتار فعالانه و پیگیرانه می‌داند که در آن، یک شهروند، تلاش می‌کند تا از راه‌های مختلف با مقامات رسمی یا اداری که دارای صلاحیت اجرایی برای تخصیص و توزیع کالا و خدمات عمومی هستند، به منظور انتقال درخواست، ارتباط برقرار کند (کراکس ویزنر، ۲۰۱۳: ۲۲). او اصطلاح «مطالبه-گری»^۷ را در چهارچوب روابط دولت-شهروندان، و برای اشاره به استراتژی‌های عملی شهروندان در دسترسی به خدمات عمومی و بیان خواسته‌هایشان، به کار می‌برد (همان: ۱۹). او معتقد است، مطالبه‌گری علاوه بر جنبه مادی ایجاد و یا بهبود دسترسی به کالا و خدمات از طریق ارتباط با مقامات دولتی، به خودی خود، دارای ارزش ذاتی است؛ زیرا در عمل مطالبه‌گری، شهروندان تمرین می‌کنند تا بر سر حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی خود با دولت مذاکره کنند. در این معنا، می‌توان مطالبه‌گری را مجموعه‌ای از اعمال به منظور برخورداری از حق آزادی، مشارکت در اعمال قدرت و هم‌چنین تأمین رفاه اقتصادی و سلامت دانست (کراکس ویزنر، ۲۰۱۸: ۸). شرط تحقق مطالبه‌گری از منظر او این است که ۱. شهروند چیزی را بخواهد یا نیاز داشته باشد؛ ۲. دولت را مسئول رسیدگی

1. Oberg and Uba
2. Political claim Making
3. opinion stating
4. reason giving
5. constructive interaction
6. deliberative
7. Claim- making



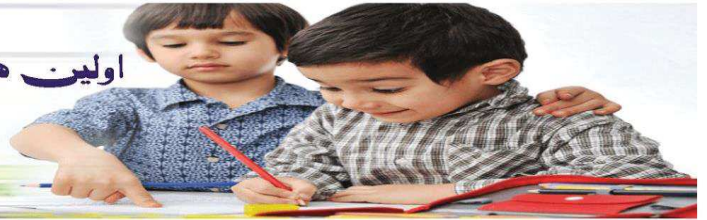
به آن نیاز بداند و ۳. عمل خود را در مواجهه با دولت مؤثر و ارزشمند تلقی کند و ۴. اینکه بداند چگونه از سیستم سیاسی عبور کرده و به کانال هایی که عمل را تسهیل می‌بخشند، دسترسی پیدا کند؛ به عبارت دیگر، شهروندان باید از طرفی با تکیه بر باورهای برانگیزاننده^۱ شامل تمایلات، احساس محق بودن^۲، احساس اثرگذاری، که آرمان ها و افق مطالبه‌گری را شکل داده و نیز با آگاهی نسبت به عملکرد دولت، فهم آیین نامه‌ای و ضمنی از موقعیت مطالبه و آگاهی از شرایط دسترسی به دولت که منجر به ایجاد قابلیت‌ها در فرد می شود، مطالبه‌گری کند (کراس‌ویز، ۲۰۱۸: ۳۲).

در یک جمع بندی از تعاریف مطرح شده می توان گفت، اغلب تعاریف در ارتباط با روابط شهروند- دولت و به مثابه کنشی اجتماعی یا سیاسی یا گونه‌ای از آن، مطرح شده اند. اما در تعریف رهبری، مطالبه‌گری با گفتمان‌سازی پیوندی عمیق دارد که این خود می تواند نقطه‌ عزمی برای کاربست آن در عرصه‌ تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی فراهم سازد.

مطالبه‌گری مبتنی برآموزه‌های انقلاب اسلامی ایران

آموزه را می توان به معنای مجموعه اصول و عقاید دینی، فلسفی، علمی یا فقهی در نظر گرفت (صلیبا، ۱۳۷۰: ۱۰). آموزه‌های انقلاب اسلامی را می توان ارزش‌های اساسی و بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی تعریف کرد که با رجوع به آراء و اندیشه‌های بزرگان انقلاب اسلامی ایران قابل حصول است و برای بازساخت آرمان‌های انقلاب اسلامی در عرصه‌های گوناگون به منظور درک امتداد حرکت انقلاب ضروری است (پاک مهر، امین خندقی، قندیلی و سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶: ۱۵). با توجه به اینکه از یک طرف آراء امام خمینی؛ مستقیماً توسط خود ایشان مدون نشده و شهید مطهری؛ به عنوان شاگرد ایشان، به ارزش‌های چهارگانه عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و معنویت اسلامی در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی پرداخته و آن‌ها را شرط تداوم انقلاب اسلامی دانسته و از طرف دیگر رهبری نیز بر این ارزش‌های چهارگانه تأکید کرده، در نتیجه می توان آموزه‌های چهارگانه مذکور را به عنوان مبنای نظری آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران مورد توجه قرار داد (پاک مهر، ۱۳۹۷: ۹۰). بنابراین، در یک با هم‌نگری می توان این آموزه‌ها را در وابستگی متقابل و پیوستگی با هم دید. همان‌طور که

1. Motivating Conditions
2. Sense of entitlement



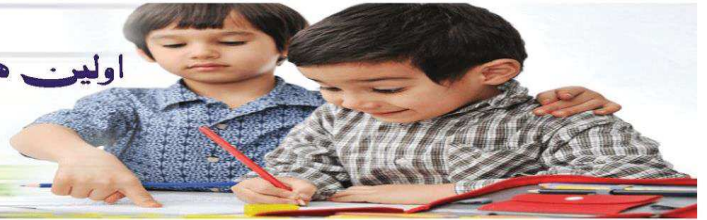
معنویت شرط تحقق عدالت در جامعه است (مطهری، بی تا: ۱۵۵)، استقلال و هویت مستقل فرهنگی که در رابطه تنگاتنگی با معنویت اسلامی است، نیز پایه تکامل و رسیدن به آزادی معنوی و اجتماعی و در نتیجه تحقق عدالت است. در واقع هر چهار آموزه را می توان در دو بعد فردی و اجتماعی دید، که در این صورت آزادی در بعد فردی همان آزادی معنوی و یا معنویت اسلامی در بعد فردی است که با اصلاح درون تحقق می یابد؛ در مقابل و با تحقق هم زمان اصلاح اجتماعی، عدالت، آزادی اجتماعی و استقلال را که بخشی از آزادی است (خامنه ای، ۱۳۹۵: ۱۱۲)، برای یک جامعه و یک ملت به همراه دارد (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۷). هم چنین عدالت فردی که همان طهارت نفس و پاکی روح فرد است، با اصلاح درون رقم می خورد (مهاجرنیا، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۶)؛ در نتیجه عدالت در وجود فرد در هم تنیده با آزادی معنوی است.

بنابراین مطالبه گری مبتنی بر آموزه های انقلاب اسلامی، یعنی طلب و پیگیری مستمر در راستای تحقق ارزش-های انقلاب اسلامی هم در بعد فردی و هم در ابعاد اجتماعی. به عبارت دیگر، انسان تراز انقلاب اسلامی یا انسان انقلابی، انسانی مطالبه گر نسبت به این ارزش ها است. او شخصیتی عدالت خواه و آزادی خواه است؛ در تلاش است تا عدالت را در وجود خودش با خودسازی و کسب طهارت نفس محقق ساخته و به آزادی معنوی برسد. به اندیشه استقلال خواهی باور دارد و به واسطه دغدغه مستمر و نگاه اصطلاح طلبی که دارد، به مثابه یک مصلح اجتماعی عمل می کند. در این معنا، او دائماً در حال تغییر و تحول و اصلاح خود و جامعه است. به یک معنا، او فردگرای جامعه گرا است. این مطالبه گری در بعد ساختاری یا جمعی، به عنوان مثال در نظام آموزشی این گونه به منصف ظهور می رسد که نظام آموزش و برنامه درسی، هم زمان اندیشه انقلاب اسلامی را هم در افراد و هم در سطوح مختلف جامعه، گفتمان سازی می کند. لذا «مطالبه گر بودن» محدود به فرد یا افراد نیست؛ بلکه ساختارها و نظامات جامعه را نیز شامل می شود.

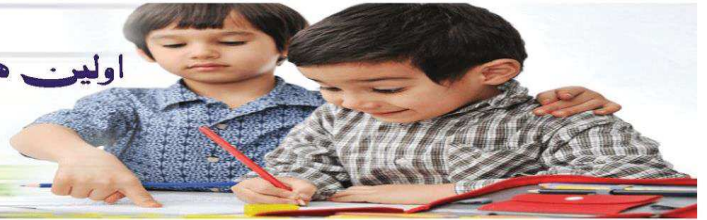
ابعاد و سطوح مطالبه گری

در بحث مطالبه گری، همان طور که گفته شد، مطالبه گری خصیصه ای است که هم در برنامه درسی و هم در فراگیران قابل تسری و تجلی است. اما سوال اینجا است که آیا مطالبه گری تنها یک عمل است یا اینکه برای سایر ابعاد وجودی انسان به طور اعم و متربی یا مربی به طور اخص، قابل تبیین است؟

در پاسخ باید گفت گفتمان سازی آموزه های انقلاب اسلامی در برنامه های درسی در سه بعد شناخت، نگرش و عملکرد بر فراگیران تاثیر می گذارد (پاک مهر، امین خندقی، سعیدی رضوانی و قندیلی، ۱۳۹۵: ۳۲). برخی این



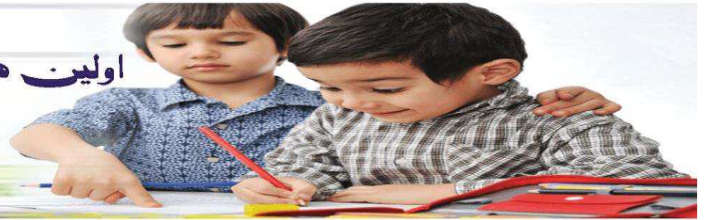
سه بعد را به این صورت بیان کرده اند که فرد برای ایمان به خدا باید سه مقام معرفت، میل و اراده را طی کند؛ ضمن اینکه قائل بودن به اعمال جوانحی (درونی و نا مشهود) و اعمال جوارحی (مشهود)، خود می تواند مبین عمل انسان در هر یک از این سه لایه وجودی باشد (باقری و خسروی، ۱۳۸۵: ۱۲). این سه بعد را می توان سه لایه وجودی انسان در نظر گرفت؛ همان طور که امام خمینی؛ برای انسان سه لایه وجودی و به تبع آن، سه لایه تربیتی قائل است: اول، لایه وجود عقلی که ظرف تشکیل باورهای انسان است؛ دوم، لایه وجود قلبی که ظرف تحقق فضایل و رذایل است، مانند حب و بغض؛ و سوم، لایه وجودی ظاهری انسان است که ظرف تجلی رفتار انسان است که به ترتیب سه بعد تربیتی اعتقادی، اخلاقی و شرعی و رفتاری انسان را تشکیل می دهند (لکزایی، ۱۳۸۹: ۵۴). از طرفی امام بر این عقیده است که کمال انسان در مبارزه با موانع درونی و بیرونی وجودش است؛ موانع درونی نظیر رذایل و هواهای نفسانی و موانع بیرونی که مستکبرین و طواغیت هستند. لذا حتی مبارزه با مستکبرین جهانی نیز برگرفته از لایه های اعتقادی و اخلاقی انسان است؛ اگر چه به صورت فعل ظاهری بروز می کند (همان: ۶۳). بنابراین، اگر انسان را به طور اعم و فراگیر و مربی را به طور اخص مخاطب «مطالبه گری» بدانیم، مطالبه گری در ابعاد مختلف از وجود او قابل تحقق است. در بعد اعتقادی، معرفت مطالبه گرانه معرفتی است که در انسان نسبت به آموزه های انقلاب اسلامی، شناخت، باور و به نوعی بیداری از خواب غفلت، ایجاد کرده است. اهل معرفت این بیداری را «یقظه» می گویند که قسمی از قیام است (خمینی، ۱۳۹۱: ۳۵۱). در واقع، این قیام، برپا ایستادن و حرکت انسان است (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۱۱۰) و این حرکت باید مداوم باشد. در بعد اخلاقی، مطالبه گری نوعی روحیه و کشش قلبی است که فرد نسبت به تحقق آموزه ها احساس می کند. کششی که ضمن داشتن احساسات و عواطف، منشأ آن، عقل و معرفت شخص است. در نهایت، عمل مطالبه گری، در دو نوع فردی و اجتماعی صورت می گیرد. مطالبه گر، در عین اینکه خودسازی می کند، و به فکر اصلاح خود است، در مقام اصلاح گر جامعه نیز عمل می کند؛ زیرا که مسلمان تقوا را که حاصل خودسازی است، مانند زرهی کسب می کند تا بتواند در جامعه دیگران را که در میدان گناه هستند نجات دهد (خامنه ای، ۱۳۹۲: ۴۳). به همین علت است که



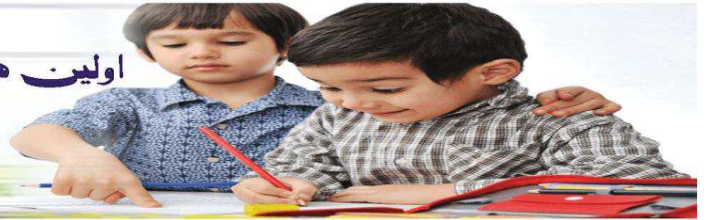
می‌گوییم مطالبه گر، «فردگرای جامعه‌گرا» است. نکته آخر در این مبحث این است که همان طور که مطالبه‌گری در بعد عملی و رفتاری، امری مستمر و پیگیرانه است، در ابعاد دیگر نیز به همین صورت قابل تبیین است. در بعد اعتقادی و معرفتی، شخص مطالبه‌گر، دارای صیوروت است؛ در فلسفه تربیتی اسلام سیر الی الله مطرح است؛ در این معنا، اساساً فلسفه تربیتی اسلام با حرکت، و شدن و راه افتادن و مبارزه با رکود و خمودی و بهتر شدنی دائمی، عجین شده است (باهنر، ۱۳۸۷: ۶۶). این مطالبه‌گری در بعد روحیه‌ای، نگرشی یا همان لایه وجودی اخلاقی نیز قابل تبیین است. در واقع وقتی یک عقیده و باور به عرصه علاقه و اشتیاق انسان راه پیدا می‌کند، مانند خونی که از قلب در همه رگ‌ها جریان می‌یابد، حیات بخش بوده و فارغ از اینکه انسان، اعتقاد را مقدمه عشق خود بداند یا اینکه محبت را اصل بگیرد، این محبت و علاقه با تمام وجود قابل احساس است (پناهیان، ۱۶۱: ۱۳۹۱). در این مقام، گرایش، موضع‌گیری و تعصب (از نوع مثبت) مطالبه‌گر، هم بر مبنای ارزش‌های انقلاب اسلامی و هم در جهت آن‌ها است.

سطوح مطالبه‌گری با توجه به نسبت میان فرد و جامعه در اندیشه متفکرین و متقدمین انقلاب اسلامی، قابل بررسی و تبیین است. سوال این است که آیا این مطالبه در سطح اجتماعی به صورت فردی رخ می‌دهد یا باید برای جمع نیز هویتی مطالبه‌گرانه قائل باشیم؟ به عبارت دیگر، این بحث، با مسأله کنش و ساختار یا عاملیت و ساختار در جامعه‌شناسی شباهت دارد. به این معنا که هر قدر بتوان رابطه میان عاملیت فرد و ساختار جامعه را به درستی تبیین کرد، به همان میزان می‌توان سطوح فردی و اجتماعی مطالبه‌گری را نیز تبیین کنیم. در اینجا، در حد مقدور، به این مسأله می‌پردازیم.

انسان و به عبارت دیگر فرد در جامعه، در اندیشه امام خمینی؛ از ارزش بالایی برخوردار است. از منظر امام، انسان اساس پیروزی‌ها و شکست‌ها و اساس تمام امور است (صحیفه نور، جلد ۱۴: ۳۰۶)؛ باور انسان به اینکه قدرت انجام کاری را دارد، مقدم بر انجام آن کار است (همان: ۳۰۷). بنابر اندیشه امام، انسان، فردی مستقل و تشکیل دهنده جامعه است که توأمان به سمت درک و خیر فردی و اجتماعی در حرکت است (همان: ۱۳۳). در اندیشه امام



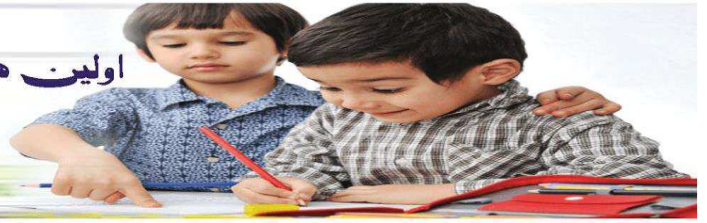
خمینی؛ جامعه متشکل از اشخاص و متأثر از اعمال تک تک آن ها است؛ در نتیجه هر کس عملش در جامعه تأثیر داشته و باید خود را مسئول بداند (صحیفه نور، جلد ۱۳: ۴۰۲-۴۰۱). علاوه بر این، همان طور که گفته شد، امام خمینی؛ انسان را دارای سه لایه وجودی می داند. این سه لایه ارتباط وثیقی با هم دارند؛ به گونه ای که رفتارهای انسان، نشان دهنده وضعیت گرایشات و باورهای وی است. بنابراین اگر در جامعه ای دیدیم که مردم و حاکمان واجد رفتارهایی هستند که نتیجه اش ظلم و سلطه در آن جامعه است، باید بدانیم که این ریشه در نظام باورها و گرایشات آن ها دارد (امام خمینی، نقل از لک زایی، ۱۳۸۹: ۴۶)؛ به همین دلیل در استراتژی فرهنگی امام، حرکت بیدارسازی مردم باید در این سه لایه صورت گیرد (لکزایی، ۱۳۸۹: ۴۶). از طرفی، می توان نوعی اندیشه جامعه‌گرایانه که قائل به ترجیح نفع جمعی بر نفع فردی و رابطه تعاملی بین فرد و جمع است را در تأملات امام خمینی؛ مشاهده کرد (مرادی، ۱۳۹۱: ۱۳۹-۱۳۸). در واقع می توان گفت در نظر امام، فرد اصالت دارد و جمع ضرورت؛ بدین معنی که جامعه وظیفه دارد تا انسان ها را به حداکثر ظرفیتشان برساند (همان: ۱۴۱). رهبری در این زمینه اعتقاد دارد که حتی اگر جامعه ای با یک نظام آزاد و آباد، مرفه، همراه با برابری و عدالت اجتماعی شکل بگیرد، در حالی که برای انسانیت انسان، بعد از تشکیل جامعه ایده آل هدفی نداشته باشد، این جامعه ناقص است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۳). در اندیشه قرآنی شهید مطهری؛ نیز، هم فرد اصالت دارد و هم جامعه و در واقع هم افراد بر ساختار جامعه تأثیر می‌گذارند و هم جامعه و ساختارهای آن بر افراد تأثیر می‌گذارد (آهنچی، ۱۳۹۱: ۲۲). بدین گونه که افراد در وجود جامعه حل نمی‌شوند و جامعه نیز وجودی یگانه ندارد، اما نوع ترکیب افراد در جامعه از نظر مسائل روحی، فکری و عاطفی به گونه ای است که افراد هویت جدید می‌یابند که همان هویت جامعه است؛ بنابراین علاوه بر شعور و وجدان و اراده و اندیشه فردی افراد، شعور، وجدان و اراده و اندیشه ای جدید بر شعور و وجدان افراد غلبه دارد. امت ها (جامعه ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان دارند و اینها دلیلی بر وجود حیات جمعی و اجتماعی است (همان: ۲۲-۲۱). بر این اساس، به باور شهید مطهری؛ قرآن برای امت ها مسئولیت نیز قائل است. به عبارت دیگر یک واجب جمعی وجود



دارد که روح جمعی جامعه، مکلف است انجام دهد (مطهری، ۱۳۹۷: ۹۲-۹۱). خود جامعه یک مسئولیت مستقل دارد ... پس ما نوعی تکلیف داریم که آنها را «تکلیف‌های خاص اجتماعی» می‌نامیم (همان: ۹۲). شهید مطهری؛ عقیده دارد که مردم در یک جامعه از اعمال یکدیگر، چه خوب و چه بد، بی‌تاثیر و بی‌نصیب نمی‌مانند؛ یعنی در زندگی اجتماعی به هم پیوستگی وجود دارد و کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، تنها فرد را نمی‌خواهد نجات بدهد، بلکه جامعه و خود را نیز می‌خواهد نجات بدهد (همان: ۱۱۵).

بنابراین، در یک جمع بندی از ابعاد و سطوح مطالبه‌گری می‌توان چنین گفت که ۱. انسان دارای سه لایه وجودی معرفتی و اعتقادی، اخلاقی و نگرشی و عملی و رفتاری است. ۲. این سه لایه وجودی هم‌منبع و منشأ عمل انسان هستند و هم‌ظرف ظهور عمل انسان. ۳. جامعه نیز دارای سه لایه وجودی است، به این معنا که هر یک از افراد جامعه به واسطه برآیند هویت همه اعضای جامعه، هویتی جمعی نیز پیدا می‌کنند؛ ۴. از یک سو عاملیت و قدرت اراده تغییر دهندگی انسان‌ها مقدم جامعه است و از سوی دیگر جامعه دارای روح و هویت کلی است که برآیند افراد آن است و بر سرنوشت انسان‌ها تاثیر دارد. ۵. به علاوه اینکه، باور به سنت‌ها و قوانین اجتماعی و تاریخی در قرآن عظیم، وجود فرشتگان و ارتباط انسان با خدا، علاوه بر ارتباط انسان‌ها با هم و با ساختار جامعه، نگاه به این مقوله را نسبت به هرگونه نگاه دیگری ویژه می‌سازد (بستان (نجفی)، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۱).

در نتیجه، به نظر می‌رسد بتوان اینگونه گفت که هر یک از انسان‌ها دارای سه لایه وجودی و سه ظرف عمل هستند که این عمل در هر سه لایه، از دو عامل مهم تاثیر می‌گیرد؛ ۱. هویت فردی انسان ۲. هویت اجتماعی انسان که در اثر قرارگیری در جامعه ایجاد شده است، که این مسأله منشأ تفکر جامعه‌سازی در نگاه اسلامی است. بنابراین، اگر جامعه نامه اعمال دارد، این یعنی اینکه، هر فرد نسبت به جامعه مسئول است؛ ولو به لحاظ فردی خودسازی کرده باشد؛ زیرا بخشی از سرنوشت و نامه عمل او، آن وجه اجتماعی است که به مسئولیتش نسبت به آحاد جامعه و نسل‌های جامعه مربوط می‌شود؛ زیرا که هویت جمعی جامعه بخشی از هویت فرد بوده و بر او تاثیر می‌گذارد؛ پس هم نسبت به آن مسئول است و هم از آن تاثیر می‌پذیرد، و در نهایت اینکه به واسطه باور به



وجود سنت های تاریخی و اجتماعی و قائل بودن به ساختی قدسی برای عالم، پیچیدگی خاصی پیدا می کند (نوعی تلفیقی از منظر اسلامی).

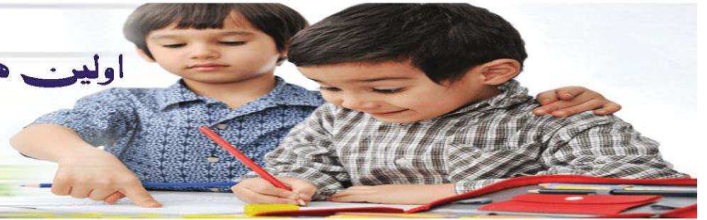
بنابراین، مطالبه گری، علاوه بر اینکه در سه لایه وجودی انسان قابل تبیین بود، می توان از مطالبه گر بودن یا مطالبه گر نبودن روح کلی جامعه صحبت کرد. علاوه بر این، مطالبه گری در اعمال سه گانه فرد از دو منظر قابل تبیین است؛ بدین صورت که عمل فرد در هر یک از سه لایه معرفتی، اخلاقی و عملی بر هر یک از وجوه فردی و اجتماعی (خودسازی یا جامعه سازی) تأکید دارد. در واقع عمل فرد در سه لایه و در هر لایه بر دو وجه معنا می -

شود. به منظور تبیین بیشتر هر یک از این لایه ها و وجوه، عمل فرد مطالبه گر، به صورت ذیل تبیین می شود:

مطالبه گری در سه لایه و در هر لایه در دو وجه معنا می شود. نکته مهم این است که در دو وجه خودسازی و جامعه سازی، لزوماً عمل در سه لایه وجودی انسان، از هم جدا نیست. به عنوان مثال می توان چنین تعبیر کرد که لزوماً فرد از گرایش به خودسازی، میل به جامعه سازی پیدا نمی کند. بلکه می توان حالتی را تصور کرد که فرد، در اثر درک شرایط موجود، میل و گرایش به جامعه سازی پیدا کرده و این خود میل به خودسازی را در فرد تقویت می کند. یا اینکه، در لایه عملی، به وضوح نمی توان وجه فردی عمل انسان را از وجه اجتماعی و جامعه سازانه آن جدا کرد؛ زیرا بسیاری از اعمال اجتماعی اگر با نیت و بینش درست و قوی انجام شوند، عیناً نوعی خودسازی هستند و از سوی دیگر، بسیاری از اعمال شخصی که فرد مطالبه گر در راستای خودسازی انجام می دهد، در راستای جامعه سازی و با نیت جامعه سازی است؛ بنابراین، در اینجا می توان بهتر مفهوم «فردگرای جامعه محور» را درک کرد. علاوه بر این، اگر هویت جامعه، رنگ مطالبه گری پیدا کند، می توان چنین جامعه ای را جامعه بیدار خواند.

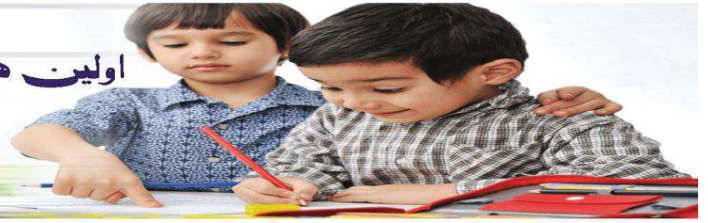
بحث و نتیجه گیری

مطالبه گری مبتنی بر آموزه های انقلاب اسلامی پیوند وثیقی با مفهوم گفتمان سازی دارد. گفتمان سازی به معنای این است که یک مفهوم یا معرفت در برهه ای از زمان در جامعه همه گیر بشود که این به برنامه ریزی و



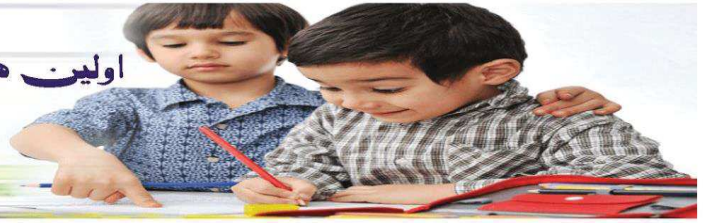
کار فعال و پیوسته و پیگیرانه نیاز دارد. اما رویکرد گفتمان سازانه در برنامه های درسی به عنوان رویکردی بدیل در راستای تحقق آموزه های انقلاب اسلامی است که به مثابه فرآیند تبدیل ایدئولوژی به یک مطالبه عمومی و فراگیر در مقام عمل اطلاق می شود. مطابله گری مبتنی بر آموزه های انقلاب اسلامی با هر نوع عمل یا تفکر انتقادی دیگری متمایز است؛ زیرا تولد این عنصر با این ماهیت و ابعاد و سطوح، بدون توجه به آموزه های انقلاب اسلامی ایران و اندیشه متفکرین و متقدمین آن، امکان پذیر نیست. بنابراین، نقد وضعیت موجود از رهیافت مفهوم شناسی مطالبه گری، نقدی مبتنی بر اندیشه عدالت خواهی، آزادی خواهی، استقلال و معنویت اسلامی است. تجلی مطالبه گری در فرد در هر سه لایه وجودی و هر دو وجه عمل او (چه از جنبه خودسازی و چه از جنبه جامعه سازی)، یک عنصر فردگرای جامعه محور می سازد. بدین معنا که انسان مطالبه گر که ما سعی داریم او را انسان تراز انقلاب اسلامی بنامیم، با شناخت و کسب معرفت، در مسیر حق، دارای صیوررتی مداوم است و دائماً در حال مقایسه وضعیت موجود خود با آن وضعیت مطلوبی است که باید به آن برسد؛ در عین حال، نه تنها او از جامعه خویش غافل نیست، بلکه شاید بتوان گفت، این صیوررت معرفتی در مسیر شناخت خود و حق، بدون شناخت وضعیت زمانه و جامعه اش و نیز درک فاصله بین وضعیت موجود و مطلوب جامعه اسلامی، امکان پذیر نیست. در بعد اخلاقی و روحیه ای، او انسانی مشتاق به خودسازی و نیز جامعه سازی است و ابه شرایطی که دارد (با نظر به آموزه های انقلاب اسلامی)، نمی تواند از خود راضی باشد و نیز چون نسبت به وضعیت جامعه و غایت مطلوب آن دائماً شناخت کسب می کند، نمی تواند به شرایط موجود قانع باشد. مطالبه گر، عمل و رفتارش (در بعد عملی) مانند سایر ابعاد وجودی اش، به هم آمیخته است؛ یعنی در عین این که دائماً در برنامه ریزی و تلاش برای خودسازی و رسیدن به آزادی معنوی است، نمی تواند در عملش از جامعه و آرمان های آن، غافل باشد.

تاکنون در حوزه تعلیم و تربیت و برنامه درسی از تفکر انتقادی و روحیه انتقادی صحبت شده است. اما از این نکته که طرح این مفاهیم و مباحث مربوط به آن ها به طور ویژه با جامعه و فرهنگ ما چه نسبتی دارد، تا حدودی غفلت شده است. اما با نگاه به آنچه در این مطالعه گذشت، می توان مفهوم مطالبه گری را در معنای عنصری



انتقادی به عنوان نقطه عزیمتی برای تحول برنامه درسی نظام تعلیم و تربیت در نظر گرفت، که در پیوند ویژه‌ای با آموزه های اسلامی است. یکی از چالش های اساسی در برنامه های تربیتی که چندان مورد توجه نبوده، این موضوع است که باید متربی تا چه حد اجتماعی و تا چه حد در راستای شکوفایی استعدادها و رشد شخصیت خود، پرورش یابد. حتی با نگاهی به رویکردهای نظری در برنامه درسی، فارغ از جهت‌گیری‌های انحرافی که در آنها هست، می‌توان این سرگشتگی و حرکت در طیف فردگرایی و جامعه گرایی را دید. به عنوان مثال، در رویکردهایی نظیر کنش اجتماعی و بازسازی اجتماعی، تأکید بر تحول اجتماعی است. در رویکردهایی نظیر رویکردهای انسان-رایانه و ماورای فردی تأکید بر یک زندگی به شدت فردگرا است. در رویکردهایی نظیر انسان‌گرایی اجتماعی سعی شده این افراط و تفریط، تعدیل شود، اما این رویکردها نیز، با نگاهی اومانستی و طرح معنویت های فرادینی، هم به لحاظ مبانی تعریفشان از جامعه گرایی و فردگرایی و هم به علت منقطع شدن از جهان غیرمادی، زیر تیغ تیز نقد قرار می‌گیرند. اما در عنصر مطالبه‌گری، خصایصی نهفته است که می‌توان آن را رهیافت مناسبی برای طرح رویکردی تلفیقی در این زمینه دانست. مفهوم مطالبه‌گری مبتنی بر آموزه های انقلاب اسلامی ناظر بر درک وضع موجود و فاصله آن با وضع مطلوب، و با توجه به در هم تنیدگی که آموزه های انقلاب اسلامی در وجوه فردی و اجتماعی دارند (همان طور که در مقاله اشاره شد)، امکان این پیوند را میسر ساخته و می‌توان از انسان‌فردگرایی جامعه محور سخن گفت. البته، لازم به ذکر است، که از الهی بودن و قدسی بودن عالم این انسان تراز انقلاب اسلامی، که چنین تلفیقی را ممکن ساخته، نباید غفلت کرد.

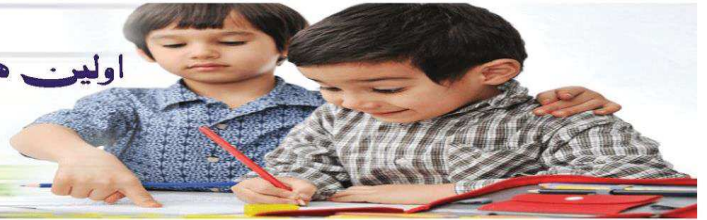
اگر مفهوم مطالبه‌گری را با همین ظرفیت به تمامی سطوح و ابعاد برنامه درسی تعمیم بدهیم (که البته نیاز به تبیین دارد)، آنگاه، برنامه درسی نظام تعلیم و تربیت، نه یک سند مکتوب، و نه در قالب کتب، بخش نامه ها و راهنماهای معلم، بلکه جریان مستمر و فراگیری خواهد بود که در آن، مربی، متربی و محیط تربیتی، از سکون و انفعال خارج خواهد شد. قطعاً در این راستا رسالت ویژه ای برای نهاد تعلیم و تربیت و متصدیان امور تربیتی تعریف خواهد شد. زیرا افراد و مجموعه ها باید نسبت به جامعه و مسائل اجتماعی پاسخگو باشند؛ لذا برنامه های



درسی از این منظر، دچار تحول شده و بازتعریف می شوند؛ به عنوان مثال، با چنین نگاهی به برنامه درسی، می توان تغییر اساسی در نظام ارزشیابی برنامه درسی را پیش بینی کرد. بدون شک، تبیین این مساله دشوار بوده و تامل جدی را می طلبد. عنصر مطالبه گری نوید نگاه انتقادی جدیدی را به ویژه در عرصه برنامه درسی نظام تعلیم و تربیت می دهد، اما به نظر می رسد، این عنصر تازه متولد شده، برای بلوغ، نیازمند بنیان های نظری قوی از قبیل بنیان های معرفت شناختی و جامعه شناختی است، تا بتواند دوران گذار خود را به سوی نظریه ای اسلامی طی کند؛ امید است که طرح این مساله، نقطه عظیمی برای تحول در عرصه برنامه درسی باشد.

منابع

- ابراهیم پور، حبیب و باهنر، فاطمه (۱۳۹۵). نقش مطالبه گری مردم در حکمرانی خوب. دومین اجلاس بین المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم.
- باقری، خسرو؛ خسروی، زهره (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی عاملیت آدمی در نظریه اسلامی در باب عمل و نظریه انتقادی هابرماس، فصل نامه حکمت و فلسفه، سال دوم، شماره ۳: ۲۲-۷.
- باهنر، محمد جواد (۱۳۸۷). انسان و خودسازی، تهران: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد.
- بستان، حسین (۱۳۹۲). نظریه سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پاک مهر، حمیده (۱۳۹۷). گفتمان سازی آموزه های انقلاب اسلامی در برنامه های درسی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران: چپستی، مدل و روش ها. رساله دکتری رشته مطالعات برنامه درسی. دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، گروه مطالعات برنامه درسی.
- پاک مهر، حمیده؛ امین خندقی، مقصود؛ قنذیلی، سید جواد و سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۶). ماهیت گفتمان سازی آموزه های انقلاب اسلامی و ویژگی های آن در برنامه های درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۳: ۴۰-۷.
- پاک مهر، حمیده؛ امین خندقی، مقصود؛ سعیدی رضوانی، محمود و قنذیلی، سید جواد (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از حیث توجه به آموزه های انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر نظرات شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. سال ششم، شماره



۱۴: ۱۹۶-۱۷۵.

پاک‌مهر، حمیده؛ امین خندقی، مقصود؛ قندیلی، سید جواد و سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۵). خصیصه‌های عناصر برنامه درسی در رویکرد گفتمان‌سازانه با تأکید بر آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران. نخستین همایش ملی تازه‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزش ایران.

پناهیان، علیرضا (۱۳۹۱). *انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه*، تهران: نشر بیان معنوی.

تنهایی، حسین (۱۳۹۷). *جایگاه گفتمان مطالبه‌گری در جامعه‌شناسی نظری و جامعه‌شناسی تفسیری*، سخنرانی در نشست مشترک گروه جامعه‌شناسی نظری و گروه جامعه‌شناسی تفسیری، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۹ اسفندماه. مراجعه به آدرس اینترنتی: <http://www.hatanhaei.ir/Blog/View/1104>

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۱). *ولایت و حکومت: مباحثی در باب مفهوم ولایت، حکومت الهی و حاکم اسلامی*، تنظیم شده از بیانات حضرت آیه الله خامنه‌ای، تهران: مرسسه ایمان جهادی.

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۵). *صورت و سیرت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). *دغدغه‌های فرهنگی: شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام رهبری در سال ۱۳۷۳ با استفاده از دیگر بیانات معظم له*. تهران: مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول.

خامنه‌ای، علی (۱۳۹۲). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.

خراسانی، رضا (۱۳۹۲). *روش‌شناسی فقه حکومتی در سپهر اندیشه فقهی-سیاسی امام خمینی (ره)*، فصل نامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۹: ۶۸-۴۷.

خمینی، روح الله (۱۳۹۱). *تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). دسترسی از طریق سایت imam-khomeini.ir

خمینی، روح الله (بی تا). *صحیفه نور، جلد ۱۳*. دسترسی از طریق سایت imam-khomeini.ir

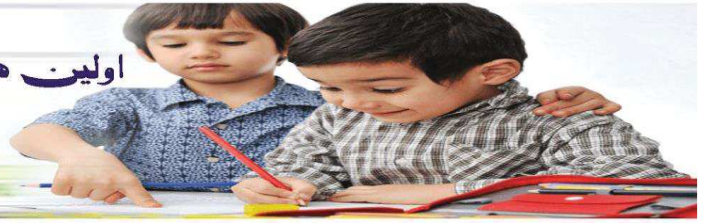
خمینی، روح الله (بی تا). *صحیفه نور، جلد ۱۴*. دسترسی از طریق سایت imam-khomeini.ir

ستایش، حسن (۱۳۹۳). *بررسی و تحلیل برنامه درسی ملی از منظر توجه به ارزش‌های انقلاب اسلامی و روش‌های انتقال آن به دانش‌آموزان*. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. قابل دسترسی در سایت oerp.ir

صفایی خاثری، علی (۱۳۸۶). *حرکت. قم: انتشارات لیلہ القدر*.

صلیبا، جمیل (۱۳۷۰). *واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی*، ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

فتحی آذر، اسکندر و حاتمی، جواد (۱۳۸۸). *پیشگفتار*. مجموعه مقالات نهمین همایش سالانه انجمن مطالعات



برنامه درسی ایران.

لکزایی، نجف (۱۳۸۹). حج ابراهیمی و تربیت متعالیه (ابعاد تربیتی حج با تاکید بر دیدگاه امام خمینی)، فقه و اصول، میقات حج، شماره ۷۳: ۷۰-۵۳.

مرادی، روح الله؛ جمشیدی، محمد حسین؛ انصاری، منصور (۱۳۹۱). نسبت فرد و جامعه و الزامات سیاسی آن در اندیشه امام خمینی (س)، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). آزادی معنوی، تهران؛ قم: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی در فلسفه تاریخ، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (بی تا). آینده انقلاب اسلامی ایران، نسخه الکترونیکی کتاب.

مقام معظم رهبری. (۱۳۹۵/۴/۱۲). بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان.

مقام معظم رهبری. (۱۳۸۸/۹/۲۲). بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون.

مقام معظم رهبری. (۱۳۹۷/۳/۷). بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان.

مقام معظم رهبری. (۱۳۷۰/۱۰/۲۵). بیانات در دیدار با مسئولان آموزش و پرورش.

منافی شرف آباد، کاظم؛ زمانی، الهام (۱۳۹۱). نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه. مجله مهندسی فرهنگی. شماره ۷۳: ۱۵۲-۱۳۴.

مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۲). فلسفه سیاسی آیت الله خامنه ای، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Kruks-Wisner, Gabrielle.(2013). *Claiming the State: Citizen-State Relations and Service Delivery in Rural India*. Submitted to the Department of Political Science on September 17, 2012 in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Political Science.

Kruks-Wisner, Gabrielle.(2018). *Claiming the State: Active Citizenship and Social Welfare in Rural India*. University Printing House, Cambridge cb2 8bs, United Kingdom.

Null, Wesley.(2011). *From Theory to Practice*. Rowman & Littlefield Publishers, Inc. Estover Road, Plymouth PL6 7PY, United Kingdom.

Oberg, Perola. Uba, Katrin.(2014). *Civil Society Making Political Claims: Outcries, Interest Advocacy, and Deliberative Claims*. Uppsala University, Sweden.